

میراث هفت و هشت ثور برای نسل کنونی

علی قادری



در پیامد خود چندان تفاوتی با رویداد ۷ ثور نداشته است. زیرا پیامد های هر دو رویداد سیاسی تا حدودی زیادی با هم شباهت دارد. خشونت در جامعه افزایش یافت و قتل عام های فجیع بعد از دو رویداد صورت گرفت. زیرساخت ها و زیر بنا های اقتصادی از بین رفت. سرعرايه اجتماعی فروریخت. بنابراین تفاوت میان این دو رویداد وجود ندارد. پیامد هر دو رویداد جزء خشونت، کشتار، قتل عام و بگیرسیم، در صورتی که ما به تعجیب به این دو رویداد بپردازیم، به این دو رویداد بپردازیم. از باور ها و فهم های ایدئولوژیک دست برداریم از این دو رویداد درس عبرت بگیریم. در صورتی که ما به تعجیب به این دو رویداد بپردازیم نه تنها وضعیت ما تغییر نمی کند؛ بلکه بخش از مردم ما به سمت باور های ایدئولوژیک خواهد رفت و نتیجه باور های ایدئولوژیک بدون شک خشونت، خونریزی و منازعات خونین خواهد بود.

در هفت ثور ۱۳۵۷ کمونیست ها قدرت سیاسی را در افغانستان با گشتن داوودخان به دست گرفت. کمونیست ها بیش از یک دهه بر افغانستان حکومت کرد. اما دوره حاکمیت آن ها را می توان دوره اغتشاش و هرج و مرج دانست. هیچ یک از حاکمان سیاسی کمونیست ها دولت در مقابل طالبان با اعمال و تاخیر بود. طالبان بعد از حمله در بدخشان و حملات در شماری از ولایات دیگر، به نحوی جرئت و جسارت بیشتری یافته اند. حمله در کندهار از سوی طالبان نیز تا سرحد احتمال سقوط آن ولایت پیش رفت. اعزام فرماندهان جدی با تجربه از سوی کابل به کندهار و وضعیت جنگ به نفع دولت افغانستان، این مسئله را به وضوح ثابت ساخت که اگر دولت افغانستان بخواهد با جدیت به جنگ با طالبان بپردازد، می تواند به راحتی اوضاع جنگ را به نفع خود تغییر دهد. تغییر اوضاع جنگ به نفع دولت، حد اقل، جنگ تبلیغاتی طالبان را با شکست مواجه می سازد. طالبان چنان وانمود می کردند که توان سقوط ولایات کشور را دارند. طالبان با حمله بر بدخشان و کندهار قصد بیشترین بهره برداری تبلیغاتی از اوضاع ناآرام کشور را دارند.

حکومت همه شمول و مورد رضایت همه گروه های قومی می شد، بدون شک، گروه طالبان امکان فرصت ظهور نمی یافت. تا زمانی که گروه طالبان نزدیک کابل نشده بود، کمتر رهبر جهادی در فکر مبارزه با این گروه بودند. تقسیم شده است اما گروه های تکنوکرات نیز حضور دارد. به گونه ای که می توان گفت که حضور تکنوکرات ها باعث به حاشیه کشیده شدن گروه های جهادی شده است. با این حال، گروه های جهادی در وضعیت کنونی به گونه ای بر اوضاع و احوال کشور حاکم است. گروه طالبان را می توان میراث گروه های جهادی دانست. اگر چه گروه های جهادی در برابر گروه طالبان ایستادگی و مقاومت نمودند. اما خلاء قدرت و انحصار قدرت و دامن زدن مسائل قومی و دینی از سوی گروه های جهادی سبب شد که گروه جدید فرصت ظهور بیابد و در نهایت قدرت سیاسی را به دست بگیرد. در صورتی که گروه های جهادی موفق به تشکیل

در هفت ثور ۱۳۵۷ کمونیست ها قدرت سیاسی را در افغانستان با گشتن داوودخان به دست گرفت. کمونیست ها بیش از یک دهه بر افغانستان حکومت کرد. اما دوره حاکمیت آن ها را می توان دوره اغتشاش و هرج و مرج دانست. هیچ یک از حاکمان سیاسی کمونیست ها دولت در مقابل طالبان با اعمال و تاخیر بود. طالبان بعد از حمله در بدخشان و حملات در شماری از ولایات دیگر، به نحوی جرئت و جسارت بیشتری یافته اند. حمله در کندهار از سوی طالبان نیز تا سرحد احتمال سقوط آن ولایت پیش رفت. اعزام فرماندهان جدی با تجربه از سوی کابل به کندهار و وضعیت جنگ به نفع دولت افغانستان، این مسئله را به وضوح ثابت ساخت که اگر دولت افغانستان بخواهد با جدیت به جنگ با طالبان بپردازد، می تواند به راحتی اوضاع جنگ را به نفع خود تغییر دهد. تغییر اوضاع جنگ به نفع دولت، حد اقل، جنگ تبلیغاتی طالبان را با شکست مواجه می سازد. طالبان چنان وانمود می کردند که توان سقوط ولایات کشور را دارند. طالبان با حمله بر بدخشان و کندهار قصد بیشترین بهره برداری تبلیغاتی از اوضاع ناآرام کشور را دارند.

بازپس گیری کندهار و شکست طالبان در این ولایت که البته اگر تا همین اندازه بهمانند، موقتی خواهد بود، برای دولت افغانستان نباید قناعت بخش باشد. چند مسئله باید در مسئله کندهار مشخص گردد. اول اینکه چه عواملی باعث شده تا کندهار در چنین وضعیتی قرار بگیرد. آیا دولت افغانستان تمام تلاش خود را کرده تا از هجوم طالبان جلوگیری کند ولی نتوانسته با تهدید طالبان مبارزه کند؟ و آیا اینکه طالبان از نقاط ضعف موجود در دولت استفاده کرده و نتوانسته به این ولایت صدمه بزند؟ چرا دولت به هشدارهایی که داده شده بود، توجهی نکرده است؟ چرا دولت افغانستان نتوانسته وزارت دفاع کشور که یکی از حیاتی ترین ولایات کشور را، نظم و نسق بدهد؟

جامعه شناسی آموزش و پرورش

مجله ی علوم انسانی فرانسه / برگردان آریا نوری

همه اینها به این معناست که دیگر به هیچ عنوان نیازی نیست وزارت معارف در یک کشور (فرانسه) به تنهایی تمامی تصمیم گیری ها را انجام داده و آن ها را به مدارس ابلاغ کند. نظام های آموزشی در تمامی کشورهای غربی تحت تأثیر تغییرات متداول جامع معاصر خود قرار دارند. چگونگی باید به درک درستی از آنچه امروزه در داخل نهاد مکتب اتفاق می افتد برسیم؟

مهم ترین عامل مختلفی در بروز این پدیده موثر است. چه عوامل داخلی و خارجی در این وضعیت نقش داشته باشند و چه عوامل بیرونی در این وضعیت نقش داشته باشند. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است.

همه اینها به این معناست که دیگر به هیچ عنوان نیازی نیست وزارت معارف در یک کشور (فرانسه) به تنهایی تمامی تصمیم گیری ها را انجام داده و آن ها را به مدارس ابلاغ کند. نظام های آموزشی در تمامی کشورهای غربی تحت تأثیر تغییرات متداول جامع معاصر خود قرار دارند. چگونگی باید به درک درستی از آنچه امروزه در داخل نهاد مکتب اتفاق می افتد برسیم؟

مهم ترین عامل مختلفی در بروز این پدیده موثر است. چه عوامل داخلی و خارجی در این وضعیت نقش داشته باشند و چه عوامل بیرونی در این وضعیت نقش داشته باشند. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است.

همراهی با تغییرات جامعه می کنند. بحث در مورد نهاد مکتب همیشه در فرانسه به طور جدی دنبال می شود. برخی سخن از بی میلی این نهاد به تغییر می کنند و برخی با لحنی ترازیک عنوان می کنند که مایل اند وضعیت این نهاد به همان روزهای آغازین جمهوری فرانسه بازگردند.



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است. مدیرمسئول: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی مدیر تحریر: حقیقت الله زکی کاریکاتورسیت: خالق علی زاده دایزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی مدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهارم، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

استراتژی جنگ باید مشخص شود

محمد رضا هویدا

جنگ در ولایات مختلف کشور وضعیت امنیتی را به شدت نگران کننده ساخته است. ولایات مختلف کشور مورد هجوم طالبان قرار گرفته است. طالبان بر شماری از ولایات به قصد تصرف حمله کرده اند. حمله بر کندهار به قصد تصرف این ولایات صورت گرفت. عکس العمل دولت در مقابل طالبان با اعمال و تاخیر بود. طالبان بعد از حمله در بدخشان و حملات در شماری از ولایات دیگر، به نحوی جرئت و جسارت بیشتری یافته اند. حمله در کندهار از سوی طالبان نیز تا سرحد احتمال سقوط آن ولایت پیش رفت. اعزام فرماندهان جدی با تجربه از سوی کابل به کندهار و وضعیت جنگ به نفع دولت افغانستان، این مسئله را به وضوح ثابت ساخت که اگر دولت افغانستان بخواهد با جدیت به جنگ با طالبان بپردازد، می تواند به راحتی اوضاع جنگ را به نفع خود تغییر دهد. تغییر اوضاع جنگ به نفع دولت، حد اقل، جنگ تبلیغاتی طالبان را با شکست مواجه می سازد. طالبان چنان وانمود می کردند که توان سقوط ولایات کشور را دارند. طالبان با حمله بر بدخشان و کندهار قصد بیشترین بهره برداری تبلیغاتی از اوضاع ناآرام کشور را دارند.

مسئله دیگری که باید واضح شود این است که دولت باید برنامه آینده خود را برای مبارزه با طالبان به صورت روشن واضح سازد. دولت چگونه می خواهد با ناامنی هایی که در حال وجود دارد برخورد کند. مسئله عوامل مختلفی در بروز این پدیده موثر است. چه عوامل داخلی و خارجی در این وضعیت نقش داشته باشند و چه عوامل بیرونی در این وضعیت نقش داشته باشند. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است. اما در واقع این وضعیت تابعی از عوامل بیرونی و داخلی است.

کارتون روز

اهمیت تعلیم در جامعه

کارتون روز

افغانستان The Daily Afghanistan

روزنامه افغانسان

Outlook AFGHANISTAN